

چند کس نویز ظلمات در ایران!
اگرچه ساعت شش بهای بله
تشکل می‌باشد لیکن تایست دقت به
هفت بعلت تاخیر و رود آقایان بله
پناخته افتاده
صحبتی ایده مقدماتی سیار شده منجبله
ایشکه منوز در کشور ما معنی انتقاد
فهیمه شده است و بوضو آنکه اکنون
نکته در اتفاق کنندگان اذنو سنه ان
سباسکار از شد، که با یاد آوری ملیدی
کوشش اخراج اینها را نشان داده است
علیه اوزار همیکونه تمثیل و ناسائی
فرود کنار نیز شود.
کم کم بجهت از بر قدر و کله کرازها
شد من میتوانم شکر کنم که آنای
مدیر آنچه و مصالح اجتماع است
بر کله کرازها تو سچیجی دهنده که
ناگهان اطاق جلسه مفارق دو تاریکی
شد.

از ذرات معظم و هوم آقایان معتبر که برای تسلیت این جانب و دیگر منسوخان مرحوم
ایرج بهمیار سجاد ختم آن مرحوم تشریف فرماده اند و مخصوصاً اذنگان
آقای دکتر مهران و زیردا شمشند فرنگی که اقامه مجلس هم بدستور ایشان
بوده است سپاسگزاری میکنم و کمال تأسی دارم از اینکه بسبی بیانی از
عنودر دمبلوس و عمر شکر و امتنان خودی مردم را میدادم که
از این قصور غیر اخیاری که بماند در کنون - احمد بهمنیار

نمی تواند فکر شم و چراغ نقی باشد
عدم بجهت وجوش افتاده ناعلت را
درین بند ولی موقق شدند و لفتن
برق از خارج قطع شده است.

احمد بهمنیار استاد داشتگان آن - تلى بهمنیار
دکتر فریدون بهمنیار - محمود بهمنیار - علینق، بهمنیار
حسن و اهاب - مهندس هنوهی بهمنیار - هوشنگ بهمنیار
غلامرضا بهمنیار ۱۹۴۹۰ - آ

شکسته بوصیه سرمه از دیده شدن سرو

هارا به نسبت شاه خود منور ساخت

ولی بازهم پراغها دوش اشند و تما

وقیکه من در چلچله بودم برق خاموش

بود.

خوب ملاحظه بفرمایید که مردم
با آنچه در مالک خارجی اذمه اه

شده بجهت دیگران کشور یک

بدینه برق داشتن بدینه دیگر

است.

بکرات دیده شده است که شدید

مهمازی دارد دوست همان موقع که

مرمنه شسته اند بر قدر خاموش بیشود

واکرها بخیانه خود را پایه از

صلح نکرده باشد با افتضاح

عجیبی موایه میکرد

اگر جلسه دیگر باعوض اینکه

خودمانی بود با باید یک جلسه دسی و

باعده ای اذنشخس فری این بود، و آنما

زنده و زبر برای آنام مقول یست که

در این موقع هب یک مرتبه برق قطع

شود.

لایدا کر مر گر تلفون همراه شد

یک چوب قائم کنده می دهنده و آن

اینکه افایلش فنی بر قدر قطع شده است

و زدی رو جلو گیری می کند

معاذی است چملاتی پیاز قبیل هل

قی - داشن کیسیون - تطاوی با مصالح

می دوای درد بدمان ملی ماشده است

برق بدارید بعلق فنی - دوساو

متنه یان دایمیا لیده به مینه بعلت

داشتن کسیون - کوارهای دوچ

و کارهای آمیز می دهیم بعلت تطاوی

باعماله ملی د بالاخره بفرمایند

دست و بیرون موج بیرون و هر بار است

آنکه باید یک چیزی ای اکر کسی

حقیقتی داشت کات موج دلکری رکه

لایدا که از اغذیه دارد میگرد

دیگر که بلان دهدمش از بی دوای د

مرض و فقر می میند از آخر مالک آن ده

بنده هستم لایل خوب بودش از اعما

ارادت بندید را فرمودید از اینکه این ده

هزاران اذین کله کرازها نتوشه

بودید که بلان دهدمش از بی دوای د

مرض و فقر می میند از آخر مالک آن ده

بنده هستم لایل خوب بودش از اعما

ارادت بندید را فرمودید از اینکه این ده

لایدا که که خواهیم بیول کنیم

و یادداشت کنیم که برق و اداره

مرق باهیه آن بدلی هم که کننده می شود بست

خوب شنایه مارا هر قدر تا میگرد

دو اهادیت که داشتم

دو دیگر که داشتم از اینکه این ده

اطلاعات

تلگراف فرخ از شیراز

احضار فرمانده سپا، و استاندار فارس

هر بوط بایجاد اختلاف نیست بلکه برای تنظیم بر مامه و کارهای دیگر است

دیروز درستون شایعات مطلع درباره اختصار آقای فخر استاندار فارس و تیسار سرلشکر جباری فرمانده سپاه فارس درج شده

در این سنتون یزامون این اختصار دو حسن داده شده بود یکی اینکه دوگاهه کفته می شود که احصار دو معاشر عالی مقام دولت از افراست برای تنظیم

و ترتیب بر نامهای پذیرایی رئیسجمهور که است که در دروزهای خواهد شد و شیراز و نفت چشمید خواهد گردید و دیگر که کفته می شود اختلافاتی بین

استاندار و فرماندار که می شود بازدید کارهای پذیرایی رئیسجمهور است.

امروز تبریز نکارام در ضمن مناجه به تیسار سرلشکر جباری می باشد یعنی مسافت

دو اطراف قضیه نوشش اراده که شق اول مقرن بصحت می باشد یعنی مسافت آقایان برای تنظیم برنامه های پذیرایی می باشد و اختلاف نظری بین استاندار و فرمانده سپاه در نداده است.

حسن اتفاق آقای فخر استاندار فارس نیز تلگرافی به روئین اطلاعات مخابره نموده اند که همین نظر را تایید می کنند. تلگراف آقای فخر از اینتراد است:

تهران - خدمت تیسار سرلشکر جباری فرمانده سپاه پنج و روشن اطلاعات.

تلگراف مختصر تذیله شده مطالعه که راجی بینایی و بنده شایم

کرده می شود مجبوب است تمنی از معلوم فرمایید این مطالع از چه

نهایی شهربت یافته و از اطراف من و خود توان آن داندیش فرمایید و امیدوارم

بزودی بزیارت جمال مبارک نایل شوی تصدیق فخر

۰۰۰

در تماس که امروز یاتیسار سرلشکر جباری حاصل کردید اینجا

اظهار اشتند که نه فقط هیچکوئه اختلاف نظری بین آن و فخر که یکی

از درجالیات و مینیز پرست کشور نموده و چون ندارد بلکه با موقوف کامل امور

فارس را رسیده کی نمی و امیدوارم موفق شوی مهیات اعلیحضرت

همایون شاهنشاهی را در اصلاحات و عمران استان فارس بوقوع اجراء کنادمیم.

خطار به سینه هاها

کلیه سینه های پایتحت باید نواقص خود را

طبق آنین نامه موجود و قم کشند

شهرداری تهران بینهاها اختوار کرده است که تا قبل از آغاز فعل

صیما بایدن این سینه های خود را بر طبق این نامه موجود مرقم مازنده و

پرای درجه بندی به شهرداری مراجع کنند در قیاره نصوصت شهرداری خواهد گردید.

اطلاعیه اداره کل غله و نان

با اینکه قبل از طریق زادیو انتشار در جراید اطلاع داده شده

که حمل کنم و آزاد از خودستان و تقاضه می کویم بتواند می بست

و پنج سهولی با یار غله بوده و علوم صادر کنند کان مکاف هستند قیاصی

بیست و پنج بحقه لاروزه دارند می بیند بالغه تهاده و پنج

باقی راحمل نلایند و مخصوصاً تصريح شده و چنانچه هایلین که قبل آذنه بول

مقدان مقرر می ادارد تعلیم نایند کلیه محولی و سیله بینهای نظارات بین راه

قطعه و پهیا آن برآمدت می کردند که از این بینهای می کردند

با این حال مشاهده می شود که عده ای از اداره کنند کان توجه نموده و چندین

کامیون پدون بدوه و تحویل صدی بیست و پنج حمل کرده اند که تمامی جنس

آن در فاقه هست تظاهر تعلیم و قیمت آن برآمدت شد

علیهند مجدد نیز معموم صادر کنند کان غله تکریم می کند

فلات قیل از تعلیم صدی بیست و پنج تقدیر خودداری و هر مو قم قدس حمل دارند

قبلاً صدی بیست و پنج میلیون ریالی و ابابار غله در مینه میل تحویل و با خبر و راه

در محل جنس اقامه نمایند بدینه استرسویکه بدوون تیز و همچنانه استرسویکه بدوون

جنس آنها درین راه تغییر کرد تهران آموزد که در قیاره نیز می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند

و زاده ای از این می کند که این می کند